

اجتناب مالیاتی شرکت‌ها و تبیین رابطه آن با بیش اطمینانی مدیران و ویژگی‌های کمیته حسابرسی

ماندانا طاهری^۱

محمد جلیلی^۲

چکیده

هدف این تحقیق، بررسی رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و اجتناب مالیاتی با نقش تعدیلگری ویژگی‌های کمیته حسابرسی است. برای دستیابی به هدف تحقیق، ابتدا رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و اجتناب مالیاتی و سپس نقش تعدیلی ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و اجتناب مالیاتی مورد بررسی قرار گرفت. نمونه آماری این تحقیق، شامل ۱۷۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ است. همچنین، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، تجزیه و تحلیل رگرسیون چندمتغیره و نرم‌افزار اقتصادسنجی Eviews و تکنیک‌های آماری داده‌های تلفیقی پس از اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. یافته‌های پژوهش، حاکی از آن است که مطابق با پیش‌بینی نظریه نمایندگی بین بیش اطمینانی مدیران و اجتناب مالیاتی شرکت، رابطه معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، شرکت‌های دارای مدیران بیش اطمینان، از اجتناب مالیاتی بیشتری برخوردار هستند. همچنین، نتایج نشان داد ویژگی‌های کمیته حسابرسی، رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و اجتناب مالیاتی شرکت را تضعیف می‌کند.

واژه‌های کلیدی: اجتناب مالیاتی، بیش اطمینانی مدیران، ویژگی‌های کمیته حسابرسی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۶

۱. استادیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول): mandanataheri@atu.ac.ir

۲. دانش‌آموخته حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. financial2122@gmail.com

مقدمه

اجتناب مالیاتی، برنامه‌ریزی مالیاتی قانونی و فرار مالیاتی غیرقانونی است که در این پژوهش بر جنبه برنامه‌ریزی مالیاتی با هدف اجتناب مالیاتی و روش‌های قانونی اجتناب مالیاتی، تأکید شده است. برنامه‌ریزی مالیاتی به معنای کاهش بار مالیاتی شرکت از طریق سرمایه‌گذاری و ساختاردهی فعالیت‌های تجاری در محدوده قانون مالیات است (Wang et al., 2019). شرکت‌ها برای کاهش پرداخت‌های مالیاتی خود از کاهش درآمد مشمول مالیات استفاده می‌کنند (Noor et al, 2009) و در نتیجه سود جاری و همچنین ارزش شرکت پس از مالیات را افزایش می‌دهند (Salehi et al., 2019). مطالعات اخیر در این حوزه، اجتناب مالیاتی را پدیده‌ای اقتصادی لحاظ نموده اند که این پدیده اقتصادی در بین شرکت‌ها، با توجه به ویژگی‌های رفتاری مدیران آنها و همچنین مسأله نمایندگی، متفاوت است (Wang et al., 2019). بر اساس نظریه نمایندگی، مدیران فضای اخلاقی، فرهنگی و اقتصادی شرکت را مبتنی بر تصمیمات خود ترسیم می‌نمایند و به طور مستقیم یا غیرمستقیم، مسئول اتخاذ تصمیمات استراتژیک هستند (Chase et al., 2019). بر این اساس، صفات، شخصیت، رفتار و نگرش مدیران بر استراتژی‌های مختلفی که توسط آنها در شرکت اجرا می‌شود - از جمله تصمیم‌گیری در مورد اجتناب مالیاتی شرکت‌ها - اثرگذار است (Aliani et al., 2016). ژو و چن نیز بیان می‌کنند که شخصیت یک فرد به طور قابل توجهی بر پردازش اطلاعات و تصمیمات اتخاذ شده توسط آن فرد، تأثیر می‌گذارد (Zhu & Chen, 2015).

از طرفی، بیش اطمینانی، یک ویژگی شخصی مشترک در میان مدیران بوده و ممکن است بر تصمیمات سرمایه‌گذاری و انتخاب‌های گزارش مالی مدیران، تأثیر گذارد (Goel & Thakor, 2008). نظریه رده‌های بالا نشان می‌دهد که رفتارهای سازمانی، منعکس‌کننده ویژگی‌های شخصی مدیران ارشد است (Hambrick, 2016) و بیش اطمینانی مدیران ممکن است در تنظیم خطامشی و تصمیمات استراتژیک شرکت، نقش مهمی ایفا کند. نگاهی به ادبیات موضوع، نشان می‌دهد شرکت‌هایی که مدیران آنها واجد بیش اطمینانی هستند، نسبت به سایر شرکت‌ها سرمایه‌گذاری‌های سطح بالاتر (Brown and Sarma, 2007, Malemandier and Tate, 2005)، فعالیت‌های نوآورانه‌تر و موفقیت بیشتری در نوآوری دارند (Galasso & Simcoe, 2008; Park et al., 2020)، در عین حال، مدیران بیش اطمینان به جریان‌های نقدی قوی‌تری برای ارضای نیازهای سرمایه‌گذاری و نوآوری خود نیاز دارند (Richardson, 2006; Ying et al., 2019).

با این حال، مطالعات قبلی همچنین نشان می‌دهد که مدیران بیش اطمینان، توانایی خود را برای ایجاد درآمد، بیش از حد برآورد می‌کنند که ممکن است بین عملکرد واقعی شرکت‌ها و انتظارات درآمدی آنها، اختلافاتی ایجاد کند و در نتیجه مدیریت نتایج مالی برای برآورده کردن انتظارات و برآوردن نیازهای اطمینان آنها انجام شود

(Hribar and Yang, 2016, Hsieh et al., 2014, Schrand & Zechman) اجتناب مالیاتی ممکن است به‌عنوان یک ابزار مدیریت سود مؤثر برای شرکت‌ها عمل کند تا به هدف سود خود برسند؛ درحالی‌که بار مالیاتی آنها را کاهش و جریان‌های نقدی را افزایش می‌دهد (Desai & Dharmapala, 2009, Halon, 2005)؛ بنابراین، مدیران بیش‌اطمینان به‌احتمال زیاد اجتناب مالیاتی را ترویج می‌کنند که در نرخ‌های مالیات مؤثر شرکت پایین‌تر منعکس می‌شود (Martinez Ferreiro et al., 2021; Carrer and Slavo, 2021)؛ از همین رو، انتظار می‌رود بین بیش‌اطمینانی مدیران و اجتناب مالیاتی، رابطه مثبت وجود داشته باشد.

از سوی دیگر، ممکن است رابطه مثبت بیش‌اطمینانی مدیران و اجتناب مالیاتی، تحت‌تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی قرار گرفته و تضعیف شود. مطالعات گذشته، بر اهمیت کلی نقش نظارتی کمیته حسابرسی به‌عنوان ابزاری جهت کاهش مسائل نمایندگی تأکید داشته، ولیکن معتقدند که کمیته حسابرسی به‌عنوان یکی از کمیته‌های فرعی هیأت‌مدیره، علاوه بر نظارت، وظیفه مشاوره به مدیریت را نیز برعهده دارند و به‌این ترتیب، ضمن ارائه مشاوره تخصصی به مدیران جهت اخذ تصمیمات بهینه، مانع بروز رفتارهایی از سوی آنان می‌شوند که به ضرر سهام‌داران باشد (Fama & Jensen, 1983; Adams and Ferreira, 2007). کمیته حسابرسی، می‌تواند علاوه بر ارتقای سطح کیفی مکانیسم حاکمیت شرکتی، باعث افزایش کیفیت گزارشگری مالی شود. مطابق با تحقیقات پیشین، کمیته‌های حسابرسی نقش به‌سزایی در برنامه‌ریزی مالیاتی شرکت‌ها و مدیریت ریسک مالیاتی آنها ایفا می‌نمایند (Deloitte, 2014; Richardson et al., 2013). با توجه به گسترش دامنه نظارت کمیته حسابرسی به حوزه‌های پیچیده و ریسک‌پذیری نظیر مسائل مالیاتی، فناوری اطلاعات و جهانی‌سازی، اهمیت ویژگی‌های کمیته حسابرسی بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفته است (KPMG, 2017; KPMG, 2015; Sa-fari Graili et al., 2016)؛ بنابراین، مطابق نظریه نمایندگی، افزایش ویژگی‌های کمیته حسابرسی، می‌تواند کاهش فعالیت‌های مربوط به اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها را در پی داشته باشد (Martinez Ferreiro et al., 2019; Rezaei Pitehnoi et al., 2021). با این وجود، در اغلب مطالعات داخلی صورت‌گرفته، این موضوع نادیده انگاشته شده و یک فضای خالی در ادبیات حسابداری، حسابرسی و مالیاتی برای تحقیق در این باره وجود دارد که این خود، انگیزه‌ای جهت انجام پژوهش حاضر است؛ لذا، در این پژوهش سعی بر آن است که رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیران با اجتناب مالیاتی و همچنین اثر تعدیل‌کنندگی ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر این رابطه، مورد بررسی قرار گیرد.

مبانی نظری

نقش مدیران در اجتناب مالیاتی

بر اساس تئوری نمایندگی، بسیاری از مطالعات نشان می‌دهد که مدیران با اجتناب مالیاتی مرتبط هستند؛ زیرا آن‌ها همیشه انگیزه‌هایی برای به حداقل رساندن هزینه‌های مالیاتی و کمک به افزایش ارزش شرکت‌ها دارند. مدیران، مسئول شکل دهی، تأیید و نظارت بر استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی شرکت‌هایشان هستند (Higgins et al., 2015) و بر اساس ادبیات رایج، هیأت‌مدیره و مدیران عامل مسئولیت کلی استراتژی‌های مالیاتی شرکت، از جمله تعیین درجات اجتناب مالیاتی را بر عهده دارند (Lanis & Richardson, 2011).

در همین ارتباط، حسن و همکاران بیان می‌کنند که اجتناب مالیاتی با ایجاد فرصت بالقوه برای استفاده مدیران، ریسک نمایندگی را افزایش می‌دهد. اجتناب مالیاتی به مدیران فرصت می‌دهد تا با استفاده از پیچیدگی و غیرشفاف بودن فعالیت‌های مرتبط با آن و با تأخیر انداختن یا پنهان کردن اخبار بد، به اهداف فرصت طلبانه خود دست یابند. به عبارتی، اجتناب مالیاتی به شرکت‌ها کمک می‌کند تا با استفاده موقت از پس‌انداز در مبلغ پرداختی به دولت، هزینه بدهی را کاهش دهند (Hasan et al., 2014). همچنین، ممکن است به دلیل جدایی بین مدیریت و مالکیت، موضوع هزینه‌های نمایندگی را نیز شامل شود؛ بنابراین، اجتناب مالیاتی ممکن است نیازهای شخصی مدیر را تأمین کند (Nguyen et al., 2021). دیرنگ و همکاران نشان داده‌اند که مدیران تأثیر قابل توجهی بر سطح اجتناب مالیاتی دارند و جنبه‌های رفتاری و شخصیتی آنها، می‌تواند اجتناب مالیاتی را توضیح دهد (Dirang et al., 2010). دسای و دارماپالا نیز دریافتند که رفتار اجتناب مالیاتی، می‌تواند نشان‌دهنده اقدامات ذهنی مدیر شرکت برای اهداف شخصی باشد (Desai & Dharmapala, 2009).

حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی

بسیاری از مطالعات در مورد حاکمیت شرکتی، اثربخشی شرکت‌هایی را که توسط مدیران خوب کنترل می‌شوند، مستند کرده‌اند (Gilan, 2006; Shleifer & Vishni, 1997). باتوجه به اهمیت مکانیسم کنترل شرکت، بسیاری از کارشناسان و محققان از نقش مکانیسم نظارتی در حاکمیت شرکتی در تضمین مسئولیت مدیران قدردانی می‌کنند (Pham et al., 2021). اکثر قوانین، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس را ملزم به داشتن کمیته حسابرسی و حسابرسی مستقل می‌کنند. آنها نه تنها عوامل مهمی در ساختار حاکمیت قانونی هستند، بلکه اهمیت کمیته حسابرسی را در کارکردهای مهم مکانیسم حاکمیت شرکتی، منعکس می‌کنند (Nguyen, 2022).

به‌منظور پیروی از اصول حاکمیت شرکتی مناسب، شرکت‌ها ملزم به داشتن کمیته حسابرسی برای اجرای اصول مسئولیت و پاسخگویی هستند. کمیته حسابرسی مسئول کنترل فرآیند گزارشگری مالی و کنترل‌کننده

داخلی است (Annisa & Kurniasih, 2012). وظیفه اصلی کمیته حسابرسی، اطمینان از کیفیت صورت‌های مالی و سیستم‌های کنترلی است (Collier, 2006; Oussii & Taktak, 2018). مک مولن نیز استدلال می‌کند که حضور کمیته حسابرسی صورت‌های مالی را قابل اعتمادتر می‌کند. این مطالعات نشان می‌دهد که یک کمیته حسابرسی با کیفیت بالا همراه با یک حسابرس مستقل، وظیفه اصلی خود را برای نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی به طور مؤثر انجام می‌دهد (McMullen, 1996). فوکر استدلال می‌کند که وجود یک کمیته حسابرسی می‌تواند سیستم کنترل داخلی را بهبود بخشد و آن را به‌عنوان یک دستگاه نظارت مؤثر برای بهبود کیفیت افشای اطلاعات در نظر می‌گیرد (Fokker, 1992). بیزلی و سالتریو نیز استدلال می‌کنند که کمیته حسابرسی مکانیسم‌های نظارت داخلی مهمی هستند (Beasley and Salterio, 2001). ادبیات تأیید می‌کند که کمیته حسابرسی، رأس کنترل داخلی است و نقش مهمی در کنترل سیستم دارد (Ashfaq and Roy, 2019; Lisik et al., 2019).

بیش‌اطمینانی مدیران و اجتناب مالیاتی

بیش‌اطمینانی، تمایل به بیش از حد برآورد کردن دانش و توانایی‌های فرد است که منجر به انتظار نتایج مطلوب‌تر یا حتی غیرواقعی‌تر می‌شود (Bhandari & Deaves, 2006; Liang et al., 2020). مدیران بیش‌اطمینان تمایل دارند توانایی‌های خود و احتمال دستیابی به عملکرد خوب و پاداش را بیش از حد ارزیابی کنند. آنها به اهداف عملکردی خود، مانند پاداش‌ها و شهرت حرفه‌ای، برای منافع شخصی بسیار متعهد هستند (Kunz & Sonnenholzner, 2023). سوگیری خوش‌بینانه مدیران بیش‌اطمینان بر تصمیم‌گیری آنها در مورد گزارشگری شرکت تأثیر می‌گذارد. به‌عنوان مثال، دایچئون و هیونتتا دریافتند که مدیران بیش‌اطمینان، زمانی که عملکرد واقعی آنها انتظارات آنها را برآورده نمی‌کند، به احتمال زیاد تحریف عمدی انجام می‌دهند (Daecheon & Hyuntae, 2020). مدیران بیش‌اطمینان تمایل دارند که پروژه‌های سرمایه‌گذاری شرکتی را بیش از حد ارزش‌گذاری کنند، بنابراین در پروژه‌های پرخطر سرمایه‌گذاری می‌کنند (Hackbarth, 2008; Gietl and Bernhard, 2020). آنها تمایل دارند سطوح سرمایه‌گذاری بالاتری داشته باشند و به احتمال زیاد در ادغام و تملک شرکت می‌کنند (Malmendir and Tate, 2005, 2008; Park et al., 2020). در نتیجه، منابع مالی بیشتری باید برای حمایت از سطوح بالای فعالیت‌های سرمایه‌گذاری تخصیص داده شود (Richardson, 2006; Ying et al., 2019). بنابراین، مدیران بیش‌اطمینان نیاز به تولید سطوح بالاتر درآمد دارند تا انتظارات درآمدی خود را برآورده سازند و درعین حال، منابع اقتصادی بیشتری را به سرمایه‌گذاری‌های اضافی و گسترش کسب‌وکار اختصاص دهند. مشارکت در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی ممکن است به مدیران بیش‌اطمینان کمک کند تا بار مالیاتی

شرکت‌ها را کاهش دهند و منابع مالی بیشتری برای پروژه‌های سرمایه‌گذاری خود فراهم کنند. نتایج پژوهش حسیه و همکاران و همچنین، نتایج پژوهش چیز و همکاران نشان می‌دهد که بیش اطمینانی با سیاست‌های مالیاتی شرکت‌ها که با کاهش نرخ مؤثر مالیاتی نقدی (افزایش اجتناب مالیاتی) مشخص می‌شود، مرتبط است (Hassieh et al., 2018; also, Chiz et al., 2019). براین اساس، بیش اطمینانی شیوه‌های اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را پیش‌بینی می‌کند و مبتنی بر این نظریه است که مدیران بیش اطمینان، احتمالاً قدرت عملکرد خود در تصمیم‌گیری، در رابطه با اجتناب مالیاتی و بازده‌های مرتبط با پس‌انداز مالیاتی موفق را بیش از حد برآورد می‌کنند و هزینه‌های اجتناب مالیاتی مانند احتمال کشف توسط مقامات مالیاتی و همچنین جریمه‌ها و آسیب‌های شهرت را دست‌کم می‌گیرند (Carrer and Slavo, 2021; Hasieh et al., 2018; Chiz et al., 2019). وطن‌پرست و همکاران نیز نشان دادند بین بیش اطمینانی مدیران با اجتناب مالیاتی در شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (Vatanparast et al., 2018).

بر اساس مطالب مطروحه، فرضیه اول پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه اول: بین بیش اطمینانی مدیران و اجتناب مالیاتی شرکت، رابطه معناداری وجود دارد.

ویژگی‌های کمیته حسابرسی، بیش اطمینانی مدیران و اجتناب مالیاتی

آرمسترانگ و همکاران بیان می‌کنند که اصول حاکمیت شرکتی می‌تواند مشکل نمایندگی را در سطوح شدید اجتناب مالیاتی کاهش دهد (Armstrong et al., 2015). در این ارتباط، تحقیقات نشان داده‌اند که وجود کمیته حسابرسی اثربخش در شرکت‌ها در کنترل رفتار تهاجمی مدیران در اجتناب مالیاتی مؤثر است (Richardson et al., 2013). براین اساس، تیرووادی و هوانگ نیز بیان می‌کنند که کمیته‌های حسابرسی به‌عنوان بخشی از سازوکار پیاده‌سازی حاکمیت شرکتی مطلوب در شرکت‌ها، نقش مهمی در اجتناب مالیاتی یا حداقل محدودکردن رسوایی‌های حسابداری و رفتار اختیاری مدیران داشته‌اند (Thiruvadi & huang, 2011). نگوین به برخی از ویژگی‌های کمیته حسابرسی از جمله اندازه کمیته، داشتن عضو متخصص در امور مالی و حسابداری و درصد اعضای مستقل، اشاره می‌کند (Nguyen, 2022). رضایی پیتنه‌نویی و همکاران نیز دریافتند ویژگی‌های کمیته حسابرسی، موجب کاهش اجتناب مالیاتی شرکت‌ها شده است (Rezaei Pithenoi et al., 2019).

هیأت‌مدیره مؤظف‌اند کمیته حسابرسی متشکل از حداقل سه نفر را که توسط هیأت کمیسیون منصوب یا برکنار می‌شوند تشکیل دهند و در مقابل هیأت کمیسران نیز مسئولیت دارند. کمیته حسابرسی بزرگ، قدرت لازم، تنوع تخصص و آراء را دارد که این مقوله، منجر به افزایش اطمینان از نظارت مناسب می‌گردد (Badrad et al., 2004). در ایران نیز بر اساس ماده ۵ منشور کمیته حسابرسی سازمان بورس و اوراق بهادار ایران،

اندازه کمیته حسابرسی، شامل سه تا پنج عضو است که اکثریت آن‌ها مستقل و دارای تخصص مالی هستند و با انتخاب هیأت‌مدیره تشکیل می‌شوند. اندازه کمیته حسابرسی تأثیر منفی و معناداری بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها دارند (Barzegar et al., 2019). شرکت‌ها باید گروهی از کارشناسان متخصص در امور مالی و حسابداری را برای پیوستن به کمیته حسابرسی انتخاب کنند (Tandian and Viney, 2016). مسئولیت کمیته حسابرسی در حاکمیت شرکتی این است که اطمینان حاصل کند که شرکت تحت قوانین و مقررات مربوطه در زمینه‌های مالی و حسابداری اداره شده است؛ بنابراین، با انتخاب متخصصان مالی و حسابداری در کمیته حسابرسی، برخورد بین مدیران و متخصصان مالی و حسابداری دشوارتر می‌شود که اقدامات اجتناب مالیاتی را کاهش می‌دهد (Tandian & Viney, 2016; Watts & Zimmerman, 1983).

همچنین، اعضای مستقل کمیته حسابرسی در ادبیات حاکمیت شرکتی مهم هستند. شان دریافت که استقلال کمیته حسابرسی، مشکلات نمایندگی را کاهش می‌دهد (Shaun, 2019). تصمیمات کمیته حسابرسی به طور قابل توجهی تحت تأثیر اعضای مستقلی است که خارج از شرکت هستند. تاندیان و وینی و برزگر و همکاران استدلال می‌کنند که اعضای مستقل می‌توانند به برنامه‌ریزی استراتژی‌های بلندمدت شرکت و ارزیابی دوره‌ای اجرای استراتژی برای کاهش اقدامات مربوط به اجتناب مالیاتی کمک کنند (Tandian & Viney, 2016; Watts & Zimmerman, 1983). بر اساس مطالب مطروحه، انتظار می‌رود ویژگی‌های کمیته حسابرسی با کاهش مشکلات نمایندگی و نظارت بیشتر بر مدیران، منجر به کاهش اجتناب مالیاتی در شرکت شده و رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیران و اجتناب مالیاتی را تعدیل کند (Rezaei Pithenoi et al., 2019; Martínez, 2021). لذا، فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه دوم: ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیران و اجتناب مالیاتی شرکت تأثیر معناداری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

منابع گردآوری داده‌ها

جامعه آماری تحقیق، شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۶ الی ۱۴۰۰ است. نمونه آماری تحقیق با استفاده از روش حذف سیستماتیک، شامل شرکت‌هایی است که حائز شرایط زیر باشند:

۱. از ابتدای سال ۱۳۹۶ تا پایان سال ۱۴۰۰ در بورس حضور داشته باشند؛

۲. به منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد؛

۳. طی دوره مورد نظر، تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده باشد؛
۴. جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشد (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، به علت تفاوت ماهیت فعالیت با بقیه شرکت‌ها، در جامعه آماری منظور نشده‌اند)؛
۵. داده‌های مورد نیاز برای محاسبه متغیرهای پژوهش، در دسترس باشد.
- پس از اعمال محدودیت‌های فوق، تعداد ۱۷۱ شرکت (طبق جدول ۱) به‌عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شدند.

جهت گردآوری داده‌های پژوهش، به‌منظور تدوین مباحث نظری از روش کتابخانه‌ای و برای داده‌ها و اطلاعات مالی از صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و همچنین بانک‌های اطلاعاتی نظیر ره‌آورد نوین، استفاده شد. بر این اساس، صورت‌های مالی شرکت‌های بورسی مورد بررسی قرار گرفت و پس از استخراج اطلاعات مورد نیاز و تجمیع داده‌ها در اکسل، به محاسبه متغیرهای تحقیق پرداخته شد و با استفاده از نرم‌افزار Eviews، فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار گرفت.

جدول (۱) - روند انتخاب نمونه و توزیع صنعت

پنل اول: فرآیند انتخاب نمونه		
تعداد شرکت‌ها	شرح	
۴۰۵	کل شرکت‌هایی که تا پایان سال ۱۴۰۰ عضو بورس بودند.	
(۴۸)	کسر می‌شود: از ابتدای سال ۱۳۹۶ در بورس پذیرفته نشده باشد.	
(۳۰)	کسر می‌شود: سال مالی آن منتهی به پایان اسفند نباشد	
(۲۱)	کسر می‌شود: تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی داده باشد.	
(۱۱۲)	کسر می‌شود: جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی باشد.	
(۲۳)	کسر می‌شود: داده‌ها در دسترس نباشد.	
۱۷۱	تعداد نمونه آماری انتخاب شده	
پنل دوم: توزیع نمونه باتوجه به صنعت		
صنعت	تعداد شرکت	درصد فراوانی
خودرو و قطعات	۲۶	٪ ۱۵/۲۰
دارویی	۲۳	٪ ۱۳/۴۵

شیمیایی	۱۳	٪۷/۶۰
غذایی	۱۴	٪۹/۹۴
فراورده‌های نفتی	۷	٪۴/۰۹
کاشی و سرامیک	۷	٪۴/۰۹
کانی فلزات معادن	۳۴	٪۱۹/۸۸
لاستیک و پلاستیک	۷	٪۴/۰۹
ماشین‌آلات	۲۰	٪۱۱/۷۰
مصالح ساختمانی	۱۷	٪۹/۹۴
مجموع	۱۷۱	٪۱۰۰/۰۰

۳-۲- مدل و متغیرهای مورد استفاده

به‌منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، مدل زیر بر مبنای روش فریرو و همکاران (۲۰۲۱) مورد استفاده قرار می‌گیرد:

$$TA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OC_{i,t} + \beta_2 ACE_{i,t} + \beta_3 OC * ACE_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 AGE_{i,t} + \beta_7 ROA_{i,t} + \beta_8 MTB_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

که در مدل فوق:

متغیر وابسته

اجتناب مالیاتی (TA): برای سنجش اجتناب مالیاتی، از دو سنجه استفاده می‌شود. برای سنجه اول، از نرخ مؤثر مالیاتی شرکت (ETR) استفاده شده است که اشاره به نسبت کل هزینه مالیات به درآمد قبل از مالیات دارد (Arab et al., 2019). نرخ مؤثر مالیاتی، یک تابع معکوس از اجتناب مالیاتی است؛ زیرا مقادیر کمتر نرخ مؤثر مالیات، به دخالت بیشتری در اجتناب مالیات شرکت‌ها اشاره دارد. از آنجاکه هر چه نرخ مؤثر مالیاتی شرکت کمتر باشد، میزان اجتناب مالیاتی آن شرکت بیشتر است، لذا نرخ‌های مالیاتی محاسبه شده، در عدد منفی یک (-۱) ضرب می‌شود (Rezai Pitehnoi and Gholamrezapour, 2019). سنجه دوم، تفاوت دفتری مالیات (BTD) است که از طریق تفاوت بین سود حسابداری (سود قبل از مالیات) و سود مشمول مالیات شرکت به دست می‌آید که سود مشمول مالیات نیز از تقسیم هزینه مالیات بر نرخ مالیات قانونی محاسبه می‌گردد. به‌منظور همگن‌سازی، این متغیر بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها تقسیم شده است (Arab et al., 2019).

متغیر مستقل

بیش اطمینانی مدیران (OC): مطابق با پژوهش حساس یگانه و همکاران و رامشه و ملانظری، معیار مبتنی بر سرمایه‌گذاری بر ای اندازه‌گیری آن مورد استفاده قرار گرفته است (Hassayganeh et al., 2014); Ram- (sheh and Molanazari, 2013). این متغیر، یک متغیر مجازی است. نحوه محاسبه این متغیر به این صورت است که در صورتی که مخارج سرمایه‌ای شرکت در دوره معین، تقسیم بر کل دارایی‌های ابتدای دوره، از سطح میانه برای صنعت مربوط در آن سال بزرگ‌تر باشد، شرکت دارای مدیر بیش اطمینان بوده و مقدار آن یک و در غیر این صورت، صفر در نظر گرفته می‌شود. یک مدیر با اطمینان بیش از حد، به طور سیستماتیک بازده آتی ناشی از پروژه‌های سرمایه‌گذاری را بیش از حد تخمین زده، یا می‌توان گفت احتمال و اثر رویدادهای مطلوب بر جریان‌های نقدی شرکت را بیش از حد و احتمال و اثر رویدادهای نامطلوب بر جریان‌های نقدی شرکت را کمتر از حد تخمین می‌زند؛ لذا انتظار می‌رود مدیران با اطمینان بیش از حد، دارای مخارج سرمایه‌ای بالاتری بوده و سرمایه‌گذاری بیش از حد در پروژه‌های سرمایه‌گذاری انجام دهند. این معیار مخارج سرمایه‌ای در شرکت‌هایی با مدیران بیش اطمینان، بزرگ‌تر است (Rezai Pithenoi et al., 2018). در این پژوهش، برای اندازه‌گیری بیش اطمینانی مدیران از معیار مازاد سرمایه‌گذاری استفاده شده است. برای محاسبه این معیار، ابتدا مدل شماره ۲ به صورت مقطعی برآورد و سپس، در هر سال باقیمانده آن محاسبه شد. چنانچه باقیمانده مدل برای شرکتی بزرگ‌تر از صفر باشد، به این معنی است که در آن شرکت سرمایه‌گذاری بیش از حد صورت گرفته است.

$$ASSETGR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 SAALGR_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (2)$$

در این فرمول، ASSETGR رشد دارایی‌های شرکت i در سال t است که از تفاوت میزان تغییرات دارایی‌های شرکت نسبت به سال گذشته محاسبه شده و SALEGR رشد فروش شرکت i در سال t است که از تفاوت میزان تغییرات فروش شرکت نسبت به سال گذشته محاسبه شده است.

متغیر تعدیل‌گر

ویژگی‌های کمیته حسابرسی (ACE): مطابق با پژوهش میترا و همکاران و ودیعی نوقابی و همکاران از نمره ترکیبی ۳ ویژگی زیر برای کمیته حسابرسی به دست می‌آید (Mitra et al., 2019; Vadie Noqabi et al., 2018):

$$ACE = ACSIZE + ACSIZE + ACSIZE \quad (3)$$

که در رابطه فوق:

ACSIZE: کمیته‌های حسابرسی بزرگ شامل اعضای با تخصص‌های متنوع به صورت مؤثرتری بر

شیوه‌های گزارشگری مالی نظارت دارند (Fakhari and Rezaei Pitehnoi, 2017). اگر تعداد اعضای کمیته حسابرسی بیشتر از میانه باشد، برابر با عدد یک و در غیر این صورت، برابر با صفر است.

ACEXP: تخصص کمیته در امور حسابداری و مالی، اثربخشی کمیته حسابرسی را بیشتر می‌کند (Rezai Pithenoi et al., 2018). اگر تعداد اعضای با تخصص مالی کمیته حسابرسی بیشتر از میانه باشد، برابر با عدد یک و در غیر این صورت برابر با صفر است.

ACIND: استقلال کمیته حسابرسی اغلب به‌عنوان ویژگی ضروری تأثیرگذار بر اثربخشی کمیته حسابرسی در فرآیند نظارت بر گزارشگری مالی در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا اعضای کمیته، مدیران خارجی و مستقل از مدیریت هستند. اهمیت استقلال کمیته حسابرسی در اکثریت توصیه‌ها و قوانین برای تشکیل اجباری کمیته حسابرسی منعکس می‌شود که توصیه یا الزام می‌کنند اکثریت اعضای کمیته حسابرسی باید از مدیران غیرموظف باشند (Fakhari and Rezaei Pitehnoi, 2017). اگر نسبت اعضای مستقل به اعضای کل کمیته حسابرسی بیشتر از میانه باشد، برابر با عدد یک و در غیر این صورت، برابر با صفر است.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (SIZE): از لگاریتم طبیعی دارایی‌های پایان دوره شرکت استفاده شده است.

اهرم مالی (LEV): نسبت کل بدهی به کل دارایی‌ها به‌عنوان ابزاری برای اندازه‌گیری اهرم مالی به کار می‌رود.

سن شرکت (AGE): بر اساس فاصله زمانی بین سال تأسیس تا پایان دوره زمانی پژوهش، اندازه‌گیری می‌شود.

بازده دارایی (ROA): برابر با سود عملیاتی به مجموع دارایی‌های پایان دوره شرکت است.

فرصت‌های رشد (MTB): نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام برای کنترل فرصت‌های رشد در نظر گرفته شده است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

جدول (۲)، آمار توصیفی متغیرهای مورد آزمون شامل برخی شاخص‌های مرکزی و پراکندگی است که برای نمونه‌ای متشکل از ۸۵۵ شرکت - سال مشاهده در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۹۶-۱۴۰۰ را نشان می‌دهد. همان گونه که در این جدول ملاحظه می‌شود، مثبت بودن مقدار میانگین متغیر تفاوت دفتری مالیات (۰/۱۱۱)، حاکی از آن است که سود قبل از مالیات شرکت‌ها به طور متوسط بیشتر از سود مشمول مالیات آن‌ها است. میانگین نرخ مؤثر مالیاتی نیز حدود ۱۰ درصد بوده که با توجه به نرخ قانونی مالیات بر عملکرد شرکت‌های بورسی (۲۲/۵)

درصد)، می‌توان گفت به‌طور کلی وضعیت مالیاتی شرکت‌ها با سیاست‌های مالیاتی سازگار نیست. همچنین، با عنایت به میانگین متغیر بیش اطمینانی مدیران، می‌توان گفت ۳۳ درصد شرکت‌های نمونه، دارای مدیران بیش اطمینان هستند. با توجه به میانگین اهرم مالی، حدود ۵۰ درصد دارایی‌های شرکت‌های مورد بررسی را بدهی تشکیل می‌دهد؛ علاوه بر این، با نگاه به میانگین متغیر فرصت‌های رشد (۶/۷۲۶)، ارزش بازار حقوق صاحبان سهام اغلب شرکت‌های نمونه، بیشتر از ارزش دفتری آن‌ها است.

جدول (۲) - آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	کمترین	بیشترین	میانگین	میانه	انحراف معیار
نرخ مؤثر مالیاتی	ETR	-۰/۳۳۸	۰	-۰/۱۰۵	-۰/۱۰۴	۰/۰۸۸
تفاوت دفتری مالیات	BTD	-۰/۲۴۶	۰/۵۵۸	۰/۱۱۱	۰/۰۶۸	۰/۱۴۵
بیش اطمینانی مدیران	OC	۰	۱	۰/۳۳۱	۰	۰/۴۷۱
ویژگی‌های کمیته حسابرسی	ACE	۰	۳	۰/۴۳۹	۰	۰/۶۵۹
اندازه شرکت	SIZE	۱۱/۳۶۱	۲۰/۸۲۱	۱۵/۴۰۳	۱۵/۱۳۹	۱/۷۰۳
اهرم مالی	LEV	۰/۰۱۴	۱/۳۴۳	۰/۵۰۸	۰/۵۰۳	۰/۲۲۶
سن شرکت	AGE	۱۱	۷۲	۴۲/۳۵۱	۴۴	۱۳/۵۶۸
بازده دارایی	ROA	-۰/۱۷۸	۰/۸۴۰	۰/۲۰۱	۰/۱۸۵	۰/۱۵۸
فرصت‌های رشد	MTB	-۴/۸۲۵	۲۰/۹۱۱	۶/۷۲۶	۴/۹۶۵	۵/۴۷۷

آمار استنباطی

یکی از عمده‌ترین مشکلات که در رگرسیون سری‌های زمانی ممکن است رخ دهد، پدیده رگرسیون ساختگی است. رگرسیون ساختگی، به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن علی‌رغم وجود ضریب تعیین بالا، رابطه معناداری بین متغیرها وجود ندارد. به‌منظور اطمینان از نتایج پژوهش و ساختگی نبودن روابط موجود در رگرسیون و معنادار بودن متغیرها، اقدام به انجام آزمون مانایی لوین، لین و چو (LLC) برای متغیرهای پژوهش شده است. جدول (۳) نتایج آزمون مانایی متغیرها را نشان می‌دهد که مقدار این آماره برای هر یک از متغیرها معنادار بوده، لذا فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد متغیرها رد می‌شود. به بیان دیگر، مانایی داده‌ها تأیید می‌گردد.

جدول (۳) - آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	آماره آزمون	معناداری
نرخ مؤثر مالیاتی	ETR	۱۸/۴۹۱	۰/۰۰۰
تفاوت دفتری مالیات	BTD	۶/۹۶۳	۰/۰۰۰
بیش‌اطمینانی مدیران	OC	۲۲/۶۰۰	۰/۰۰۰
ویژگی‌های کمیته حسابرسی	ACE	۵/۷۶۷	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	۵/۱۸۸	۰/۰۰۰
اهرم مالی	LEV	۱۳/۳۳۹	۰/۰۰۰
سن شرکت	AGE	۸/۱۰۶	۰/۰۰۰
بازده دارایی	ROA	۵/۹۴۶	۰/۰۰۰
فرصت‌های رشد	MTB	۶/۴۲۳	۰/۰۰۰

به‌منظور انتخاب مدل مناسب برای برآورد فرضیه‌های پژوهش، از آزمون افلیمر و آزمون هاسمن، استفاده و نتایج در جدول (۴) ارائه شده است. با توجه به نتایج، برای برآورد مدل‌های پژوهش داده‌های ترکیبی با روش اثرات ثابت، مناسب است.

جدول (۴) - نتایج انتخاب الگوی داده‌ها جهت تخمین مدل‌های پژوهش

مدل	سنجه اجتناب مالیاتی	افلیمر		هاسمن	
		آماره	احتمال آماره	آماره خی دو	احتمال آماره
اول	ETR	۱۰/۶۵۴	۰/۰۰۰	۴۳/۸۵۴	۰/۰۰۰
	BTD	۲۲/۲۴۳	۰/۰۰۰	۷۱/۶۳۴	۰/۰۰۰

در ادامه نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش در جدول (۵) قابل مشاهده است. ملاحظه مقادیر آماره‌های F در این جدول، بیانگر معناداری کلی مدل‌های رگرسیونی برازش شده در سطح خطای ۵ درصد است. مقادیر آماره دوربین-واتسن نیز حکایت از عدم وجود مشکل خودهمبستگی در میان جملات پسماند دارد. همچنین، در جدول ملاحظه می‌شود، ضریب برآوردی و آماره t متغیر بیش‌اطمینانی مدیران (OC) در هر دو مدل مثبت و در سطح

خطای ۵ درصد معنادار بوده که حاکی از وجود رابطه مثبت معنادار بین بیش اطمینانی مدیران و اجتناب مالیاتی است. بر این اساس، فرضیه اول پژوهش در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می‌شود. ضمن اینکه، ضریب برآوردی و آماره t متغیر اثر تعاملی (OC*ACE) در هر دو مدل منفی و در سطح خطای ۵ درصد معنادار بوده و بر اساس آن، فرضیه دوم پژوهش در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می‌شود و با توجه به مثبت علامت ضریب بیش اطمینانی مدیران (OC) و عدم تشابه با اثر تعاملی (OC*ACE) می‌توان گفت ویژگی‌های کمیته حسابرسی، رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و اجتناب مالیاتی را تضعیف می‌کند.

جدول (۵) - تخمین مدل پژوهش بر اساس دو سنجه اجتناب مالیاتی

تفاوت دفتری مالیات (BTD)		نرخ مؤثر مالیاتی (ETR)		نماد	متغیر
معناداری	ضریب	معناداری	ضریب		
۰/۰۴۱	-۰/۰۶۴	۰/۰۰۰	-۰/۰۹۹	β_0	عرض از مبدأ
۰/۰۰۰	۰/۰۵۸	۰/۰۱۹	۰/۰۱۸	OC	بیش اطمینانی مدیران
۰/۰۰۰	-۰/۰۷۱	۰/۵۶۴	-۰/۰۰۳	ACE	ویژگی‌های کمیته حسابرسی
۰/۰۲۹	-۰/۰۶۸	۰/۰۲۷	-۰/۰۵۰	OC*ACE	اثر تعاملی
۰/۰۰۷	-۰/۰۶۱	۰/۰۱۰	-۰/۰۴۶	SIZE	اندازه شرکت
۰/۰۱۸	۰/۰۱۵	۰/۰۲۲	-۰/۰۱۴	LEV	اهرم مالی
۰/۰۲۹	۰/۱۰۶	۰/۰۰۷	۰/۰۸۸	AGE	سن شرکت
۰/۰۴۲	۰/۰۶۵	۰/۴۸۳	۰/۰۱۲	ROA	بازده دارایی
۰/۰۰۰	۰/۰۹۷	۰/۴۱۹	۰/۰۰۷	MTB	فرصت‌های رشد
۴۸۱/۱۲۷		۳۰/۵۶۴			آماره F فیشر
۰/۰۰۰		۰/۰۰۰			معناداری آماره F فیشر
۰/۵۵۴		۰/۳۱۲			ضریب تعیین تعدیل شده
۲/۰۲۶		۱/۸۷۸			دوربین واتسون
	۲/۸۴۵				بیشترین VIF

۵- بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اول پژوهش، به بررسی رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیران و اجتناب مالیاتی پرداخت. نتیجه پژوهش، حاکی از آن است که بین بیش‌اطمینانی مدیران و اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. این یافته، مطابق با نظریه نمایندگی است که بیان می‌کند منافع مدیران با منافع سهام‌داران همخوانی ندارد و ممکن است مدیران تلاش کنند با استفاده از تکنیک‌هایی مانند اجتناب مالیاتی، به دنبال ارزش‌آفرینی برای خود باشند. مدیران بیش‌اطمینانی از موقعیت اقتدار و نفوذ خود در شرکت‌های خود برای دستیابی به جاه‌طلبی‌های شخصی استفاده می‌کنند که می‌تواند با سیاست‌های مالیاتی تهاجمی، پرداخت مالیات کمتر و نشان‌دادن درآمد حسابداری بالاتر همراه باشد. اتخاذ سیاست‌های مالیاتی تهاجمی به شرکت‌ها اجازه می‌دهد تا ارقام حسابداری سودمند بیشتری را گزارش کنند که به‌ویژه بر سهام‌داران تحت‌الگوی حداکثرسازی ثروت تأثیر می‌گذارد. در امتداد این خط، مدیران بیش‌اطمینانی، اگر از این طریق از عملکرد مالی مثبت در کوتاه‌مدت اطمینان حاصل کنند، تحسین و تأیید سهام و سهام‌داران را تضمین می‌کند. نتیجه به‌دست‌آمده در این پژوهش با یافته پژوهش‌های وطن‌پرست و همکاران، مارتینز فریرو و همکاران، کارر و اسلاوو، حسیه و همکاران و چیز و همکاران مطابقت دارد (Vatanparast et al., 2018; Martínez Ferreiro et al., 2021; Carrer) (and Slavo, 2021; Hasieh et al., 2018; Chiz et al., 2019).

فرضیه دوم پژوهش، به بررسی نقش تعدیلی ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیران و اجتناب مالیاتی پرداخت. نتیجه پژوهش حاکی از آن است که ویژگی‌های کمیته حسابرسی، رابطه بین بیش‌اطمینانی مدیران و اجتناب مالیاتی را تضعیف می‌کند. این یافته، مطابق با نظریه نمایندگی است که بیان می‌کند در شرکت‌های دارای کمیته حسابرسی اثربخش، با کاهش هزینه نمایندگی و تشویق شرکت‌ها و مدیران آن‌ها به افشای بهتر اطلاعات، مسائل نمایندگی کاهش می‌یابد. به نحوی که، هرچه مسائل نمایندگی کمتر باشد، مدیران این شرکت‌ها انگیزه کمتری برای اعمال رفتار فرصت‌طلبانه و در نتیجه اجتناب مالیاتی دارند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که کمیته حسابرسی به‌عنوان سازوکار اصلی حاکمیت شرکتی در شرکت عمل می‌نماید و با تقویت ویژگی‌های کمیته حسابرسی، اثربخشی آن نیز افزایش یافته و نقش نظارتی آن نیز گسترش می‌یابد و منجر به اتخاذ تصمیمات مطلوب از جمله تصمیمات مربوط به پرداخت مالیات می‌گردد؛ بنابراین، می‌توان گفت ویژگی‌های کمیته حسابرسی، رابطه مثبت بین بیش‌اطمینانی مدیران و اجتناب مالیاتی را تعدیل و تضعیف می‌کند. نتیجه به‌دست‌آمده در این پژوهش، با یافته پژوهش‌های رضایی پیتنه‌نوئی و همکاران و مارتینز فریرو و همکاران مطابقت دارد (Rezai Pithenoi et al., 2019; Martínez Ferreiro et al., 2021).

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، نظر به اینکه بیش‌اطمینانی مدیران برنامه‌ریزی مالیاتی را تحت تأثیر قرار

می‌دهد، به سرمایه‌گذاران و فعالان بازار سرمایه پیشنهاد می‌گردد که در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خود، نوع بیش‌اطمینانی مدیران شرکت را نیز مدنظر قرار دهند.

علاوه بر این، از آنجا که ویژگی‌های کمیته حسابرسی عاملی برای محدود نمودن رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران در فعالیتهای اجتناب مالیاتی شرکت محسوب می‌شود، لذا به هیأت‌مدیره شرکت‌های بورسی پیشنهاد می‌شود که از طریق تدوین خط‌مشی مناسب، بسترهای لازم برای تشکیل کمیته‌های حسابرسی اثربخش در شرکت را فراهم نمایند. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، نظر به اینکه استراتژی‌های تجاری درک کمیته‌های حسابرسی اثربخش در هنگام نظارت و ارزیابی بر مسائلی نظیر برنامه‌ریزی مالیاتی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند، به سرمایه‌گذاران و فعالان بازار سرمایه پیشنهاد می‌گردد که در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خود، نوع استراتژی‌های تجاری شرکت را نیز مدنظر قرار دهند. همچنین، بر اساس نتایج فرضیه دوم و سوم، به مجمع‌عمومی صاحبان سهام شرکت‌ها پیشنهاد می‌گردد که با ایجاد کمیته‌های حسابرسی اثربخش، به‌ویژه در شرکت‌های با مدیران بیش‌اطمینان، میزان اجتناب مالیاتی را کاهش دهند.

فهرست منابع

1. Barzegar, A.; Hasan Nataj-Kurdi, M.; Abbasi, A. (2019). The effect of audit committee characteristics on tax avoidance in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Accounting and auditing studies*. 9 (33), 25-42, (Persian).
2. Yahya, Yahya; Hosni al-Qar, Massoud; Marfoo, Mohammad. (2014). Management assurance and audit fees. *Accounting and auditing reviews*. 363-384. 22(3), (Persian).
3. Ramsheh, M.; Molanazari, M. (2014). Management overconfidence and accounting conservatism. *Scientific-Research Journal of Accounting Knowledge*, 23-11, pp. 55-79. , (Persian).
4. Rezaei Pitehnoi, Y.; Gholamrezapour, M. (2019). Examining tax avoidance in the light of ownership structure with the moderating role of audit quality: a test of agency theory. *Financial Accounting Quarterly*. 12 (46): 22-48, (Persian).
5. Rezaei Pitehnoi, Y; Gholamrezapour, M.; Amirnia, N. (2019). Effectiveness of audit committee and corporate tax avoidance: study of the moderating role of cost leadership and differentiation strategies. *Auditing knowledge*, 20 (80). 117-146, (Persian).
6. Rezaei Pitehnoi, Y; Gholamrezapour, M.; Safari Graili, Mahdi. (2018). Management uncertainty and research and development costs. *Financial Management Strategy*, 7 (26). 173-157, (Persian).
7. Stock Exchange Organization, (1391). The charter of the audit committee of the publishers accepted in the Tehran Stock Exchange and the Iranian Foreign Exchange, (Persian).
8. Safari Graili, M.; Rezaei Pitehnoi, Y.; Nowrozi, Mohammad. (2016). Providing a model to explain the effectiveness of the audit committee and the value content of accounting information. *Knowledge of Accounting and Management Audit*, 6 (24), 1-12, (Persian).
9. Arab, R.; Gholamrezapour, M.; Amirnia, N; Emadaldini, A. (2019). Investigating the role of government ownership on the relationship between tax avoidance and audit fees: an empirical test of the big pocket theory. *Management Accounting*, 13 (45), 169-186, (Persian).
10. Fakhari, H. (2014). Investigating the effect of audit committee characteristics on profit management through real items. *Empirical studies of financial accounting*. 12 (46). 130-154, (Persian).

11. Vadie Nougabi, M.; Norouzi, Mohammad; the strength of Timurpur, S. Investigating the moderating role of audit quality on the relationship between audit committee effectiveness and profit management. The title of the publication. 1398; 19 (74):107-126, (Persian).
12. Watanparast, N. (2018). Managers' overconfidence and tax policies: considering the role of management ability, the fourth national conference on economics, management and accounting in Ahvaz, <https://civilica.com/doc/101985>, (Persian).
13. Adams, R. & Ferreira, D. (2007). A theory of friendly boards. *Journal of Finance*, 62, 217- 250.
14. Aliani, K.; Mhamid, I. & Rossi, M. (2016). Does CEO overconfidence influence tax planning? Evidence from Tunisian context. *Int. J. Managerial and Financial Accounting*, 8(3/4), 197-208.
15. Annisa, N. A. & Kurniasih, L. (2012). Pengaruh corporate governance terhadap tax avoidance. *Jurnal Akuntansi Dan Auditing*, 8(2), 123–136.
16. Armstrong, C. S.; Blouin, J. L.; Jagolinzer, A. D. & Larcker, D. F. (2015). Corporate governance, incentives, and tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 60 (1), 1–17.
17. Ashfaq, K. & Rui, Z. (2019). The effect of board and audit committee effectiveness on internal control disclosure under different regulatory environments in South Asia. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 17(2), 170–200.
18. Beasley, M. S. & Salterio, S. E. (2001). The Relationship between Board Characteristics and Voluntary Improvements in Audit Committee Composition and Experience*. *Contemporary Accounting Research*, 18 (4), 539–570.
19. Bedard, J.; Chtourou, S.M.; & Courteau, L. (2004). The effect of audit committee expertise, independence, and activity on aggressive earnings management. *Journal of Practice & Theory*, 23(2), 13-35.
20. Bhandari, G.; Deaves, R. (2006). The demographics of overconfidence. *J. Behav. Financ.* 7 (1), 5–11.
21. Brown, R. & Sarma, N. (2007). CEO overconfidence, CEO dominance and corporate acquisitions. *J. Econ. Bus.* 59 (5), 358–379.
22. Carrer, G. & Slavov, T. (2021). Tax aggressiveness and CEO overconfidence in the stock market: Evidence from Brazil. *Investment Management and Financial Innovations*, 18 (1), 165-176.

23. Chyz, J.A.; Gaertner, F.B.; Kausar, A. & Watson, L. (2019). Overconfidence and corporate tax policy. *Review of Accounting Studies*. Advance online publication.
24. Collier, P. (2006). African growth: Why a 'big push'? *Journal of African Economies*, 15 (2), 188–211.
25. Daecheon, Y. & Hyuntae, K. (2020). Managerial overconfidence and manipulation of operating cash flow: Evidence from Korea," *Finance Research Letters*, 32.
26. Deloitte LLP. (2014). Audit Committee Brief: What's on your agenda for 2015. Available at: <http://www.iasplus.com/en-us/publications/us/acb/2014/nov-dec>.
27. Desai, M. A., & Dharmapala, D. (2009). Earnings management, corporate tax shelters, and book-tax alignment. *SSRN Electronic Journal*, 62 (1), 1–24.
28. Dyreng, S.; Hanlon, M. & Maydew, E. (2010). The effects of executives on corporate tax avoidance. *The Accounting Review*, 85 (4), 1163–1189.
29. Fakhari, H. & Rezaei Pitenoei, Y. (2017). The Impact of Audit Committee and Its Characteristics on the Firms' Information Environment. *Iranian Journal of Management Studies*, 10 (3), 577-608.
30. Fama, E. F. & Jensen, M.C. (1983). Separation of ownership and control. *Journal of Law and Economics*, 26 (2), 301-325.
31. Forker, J. J. (1992). Corporate governance and disclosure quality. *Accounting and Business Research*, 22 (86), 111–124.
32. Galasso, A. & Simcoe, T.S. (2011). CEO overconfidence and innovation. *Manage. Sci.* 57 (8), 1469–1484.
33. Gietl, D. & Bernhard, K. (2020). Managerial Overconfidence and Bank Bailouts, *Journal of Economic Behavior & Organization*, 179, 202-222.
34. Gillan, S. L. (2006). Recent developments in corporate governance: An overview. Elsevier.
35. Goel, A.M. & Thakor, A.V. (2008). Overconfidence, CEO selection, and corporate governance. *J. Financ.* 63 (6), 2737–2784.
36. Hackbarth, D. (2008). Managerial Traits and Capital Structure Decisions. *J. Financ. Quant. Anal.* 43 (4), 843–882.
37. Halon, M. (2005). The persistence and pricing of earnings, accruals, and cash flows when firms have large book-tax differences. *Account. Rev.* 80 (1), 137–166.
38. Hambrick, D.C. (2016). Upper Echelons Theory. Palgrave Macmillan. https://link.springer.com/referenceworkentry/10.1057/978-1-349-94848-2_785-1

39. Hambrick, D.C. & Mason, P. (1984). Upper echelons: the organization as a reflection of its top managers. *Acad. Manage. Rev.* 9, 193–206.
40. Hasan, I.; Hoi, C.; Wu, Q. & Zhang, H. (2014). Beauty is in the Eye of the Beholder: The Effect of Corporate Tax Avoidance on the Cost of Bank Loans. *Journal of Financial Economics*, 113, 109-130.
41. Higgins, D.; Omer, T. & Phillips, J. (2015). The influence of a firm's business strategy on its tax aggressiveness. *Contemporary Accounting Research*, 32 (2), 674-702.
42. Hirshleifer, D.; Low, A. & Teoh, S.H. (2012). Are overconfident CEOs better innovators? *J. Financ.* 67 (4), 1457–1498.
43. Hribar, P. & Yang, H. (2016). CEO overconfidence and management forecasting. *Contemp. Account. Res.* 33 (1), 204–227.
44. Hsieh, T.S.; Bedard, J.C. & Johnstone, K.M., (2014). CEO overconfidence and earnings management during shifting regulatory regimes. *J. Bus. Financ. Account.* 41 (9–10), 1243–1268.
45. Hsieh, Y. T.; Chen, T. K.; Tseng, Y. J., & Lin, R. C. (2018). Top management team characteristics and accrual-based earnings management. *The International Journal of Accounting*, 53 (4), 314–334.
46. Ilaboya, O. J. & Aronmwan, E. J. (2021). Overconfident CEOs and corporate tax avoidance. *Journal of Accounting and Management*, 11 (2), 70-80, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4093039>
47. KPMG, LLP. (2015). Global Audit Committee Survey. Available at: <https://boardleadership.kpmg.us/relevant-topics/articles/2015/01/2015-globalaudit-committee-survey.html>.
48. KPMG, LLP. (2017). Is everything under control? 2017 Global Audit Committee Pulse Survey. <https://boardleadership.kpmg.us/relevanttopics/articles/2017/01/2017-global-audit-committee-pulse-survey.html>.
49. Kunz, J. & Sonnenholzner, L. (2023). Managerial overconfidence: promoter of or obstacle to organizational resilience? *Review of Managerial Science*, 17, 67–128.
50. Lanis, R. & Richardson, G. (2011). The effect of board of director composition on corporate tax aggressiveness, *Journal of Accounting and Public Policy*, 30 (1), 50-70.
51. Liang, Q.; Ling, L.; Tang, J.; Zeng, H. & Zhuang, M. (2020), Managerial

- overconfidence, firm transparency, and stock price crash risk: Evidence from an emerging market, *China Finance Review International*, 10 (3), 271-296.
52. Lisic, L. L.; Myers, L. A.; Seidel, T. A. & Zhou, J. (2019). Does audit committee accounting expertise help to promote audit quality? Evidence from auditor reporting of internal control weaknesses. *Contemporary Accounting Research*, 36 (4), 2521–2553.
53. Malmendier, U. & Tate, G. (2005). CEO overconfidence and corporate investment. *J. Financ.* 60 (6), 2661–2700.
54. Malmendier, U. & Tate, G. (2008). Who makes acquisitions? CEO overconfidence and the market's reaction. *J. Financ. Econ.* 89 (1), 20–43.
55. Martínez-Ferrero, J. & García-Meca, E. (2021) Ramon Llorens, M Camino. (2021). Are narcissistic CEOs more tax aggressive? The moderating role of internal audit committees. *Journal of Business Research*. 129. 1.
56. McMullen, D. A. (1996). Audit committee performance: An investigation of the consequences associated with audit committees. *Auditing*, 15 (1), 87.
57. Mitra, S.; Jaggi, B. & Al-Hayale, T. (2019). Managerial overconfidence, ability, firm-governance and audit fees, *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 52 (3), 841-870,.
58. Nguyen, Q. K. (2021). Audit committee structure, institutional quality, and bank stability: Evidence from ASEAN countries. *Finance Research Letters*, 102369.
59. Nguyen, Q. K. (2022). Determinants of bank risk governance structure: A cross-country analysis. *Research in International Business and Finance*, 60.
60. Noor, R. M.; MastUki, N., & Bardai, B. (2009). Book-tax difference and value relevance of taxable income: Malaysian evidence. *Journal of Financial Reporting & Accounting*, 7(2), 19–40.
61. Oussii, A. A. & Taktak, N. B. (2018). Audit committee effectiveness and financial reporting timeliness. *African Journal of Economic and Management Studies*, 9 (1), 34–55.
62. Park, K. H.; Byun, J.; Choi, P. M. S. (2020). Managerial Overconfidence, Corporate Social Responsibility Activities, and Financial Constraints. *Sustainability*, 12(1), 61.
63. Pham Q. T.; Ho X. T.; Nguyen T. P.; Pham T. H. & Bui A. T. (2021). Financial reporting quality in pandemic era: case analysis of Vietnamese enterprises. *Journal of Sustainable Finance & Investment*, 1–23.

64. Richardson, G.; Taylor, G. & Lanis, R. (2013). The impact of board of director oversight characteristics on corporate tax aggressiveness: An empirical analysis. *Journal of Accounting and Public Policy*, 32 (3), 68-88.
65. Richardson, S.A. (2006). Over-investment of free cash flow. *Rev. Account. Stud.* 11 (2-3), 159-189.
66. Salehi, M.; Khazaei, S., & Tarighi, H. (2019). Tax avoidance and corporate risk: Evidence from a market facing economic sanction country. *The Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 6 (4), 45-52.
67. Schrand, C.M. & Zechman, S.L. (2012). Executive overconfidence and the slippery slope to financial misreporting. *J. Account. Econ.* 53 (1), 311-329.
68. Shan, Y. G. (2019). Managerial ownership, board Independence and firm performance. *Accounting Research Journal*, 32 (2), 203-220.
69. Shleifer, A. & Vishny, R. W. (1997). A survey of corporate governance. *The Journal of Finance*, 52 (2), 737-783.
70. Tandean, V. A. & Winnie, W. (2016). The effect of good corporate governance on tax avoidance: An empirical study on manufacturing companies listed in IDX period 2010-2013. *Asian Journal of Accounting Research*, 1 (1), 28-38.
71. Thiruvadi, S. & Huang, H. W. (2011). Audit committee gender differences and earnings management. *Gender in Management*, 26(7), 483-498.
72. Wang, F.; Xu, S.; Junqin, S & Cullinan, C. (2019). Corporate Tax Avoidance: A Literature Review And Reserch Agenda. *Journal of Economic Surveys*. 34.
73. Watts, R. L. & Zimmerman, J. L. (1983). Agency problems, auditing, and the theory of the firm: Some evidence. *The Journal of Law & Economics*, 26 (3), 613-633.
74. Ying, H.; Cindy, C. & Yue, H. (2019). Managerial overconfidence, internal financing, and investment efficiency: Evidence from China,” *Research in International Business and Finance*, 47, 501-510.
75. Zheng, T.; Jiang, W.; Zhao, P.; Jiang, J. & Wang, N. (2018). Will the Audit Committee Affects Tax Aggressiveness? In: Xu J., Cooke F., Gen M., Ahmed S. (Eds) *Proceedings of the Twelfth International Conference on Management Science and Engineering Man-agement. ICMSEM 2018. Lecture Notes on Multidisciplinary Industrial Engineering*. Springer, Cham.
76. Zhu, D. H. & Chen, G. (2015). Narcissism, director selection and risk-taking spending. *Strategic Management Journal*, 36 (13), 2075-2098.